خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ . ۱۶ رجب ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۲۳۸

زیبیگنیف برژینسکی
سیاستمدار لهستانی الاصل آمریکایی

او در سال ۱۹۲۸ م(۱۳۰۷ هـ.ش) در لهستان به دنیا آمد و پس از جنگ جهانی دوم، ابتدا به کانادا و سپس به آمریکا مهاجرت کرد. برژینسکی به عضویت حزب دموکرات آمریکا درآمد. او در سنین جوانی و در دوران ریاست جمهوری کندی، به عنوان مشاور وارد کاخ سفید شد و در بسیاری از برنامه‌های فرامرزی آمریکا مانند جنگ ویتنام، بحران موشکی کوبا و عملیات حمله نیروی «دلتا» به صحرای طبس، نقش مهمی ایفا کرد.

پاورقی

گروه های چپ در ایران (بخش هجدهم)

پایان کار «پویان»

در قسمت قبل اشاره کردیم که بازداشت «بهروز دهقانی» و «حمید توکلی»، باعث کشف خانه تیمی چریک‌های فدایی خلق در محله نیروی هوایی تهران شد. در میان اوراق و اسنادی که همراه «بهروز دهقانی» به دست ساواک افتاد، برگه‌ای وجود داشت که محل و زمان قرار او با «حمید توکلی» در آن درج شده بود. اشتباه و بی‌احتیاطی «دهقانی»، کار گروه را یکسره کرد. «محمود نادری» در کتاب «چریک‌های فدایی خلق» می‌نویسد: «این قرار ملاقات را پویان در ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز [روز بازداشت دهقانی] به حمید توکلی داده بود تا کلیدی را به فرد ملاقات شونده تحویل بدهد. در آن قرار، بهروز دهقانی می‌بایست با داشتن تسبیحی قرمز در یک دست و قوطی خمیر دندان کلگیت در دست دیگر با فردی به نام جواد ملاقات کند که در یک دست زنجیر و در دست دیگر کبریت دارد.» ساواک که برگه مربوط به قرار را یافته بود، مأمور خود را به محل قرار فرستاد و به این ترتیب، «حمید توکلی» نیز بازداشت شد. او در همان روز اول بازجویی، محل قرار بعدی خود را لو داد و روز بعد، یعنی ۳ خرداد ماه ۱۳۵۰، آدرس خانه امن «پویان» در محله نیروی هوایی و خانه امن دیگری را که متعلق به خواهرش بود، در اختیار مأموران ساواک گذاشت.

■ **درگیری در محله نیروی هوایی**

امیر پرویز پویان

وقتی اعضای گروه از بازداشت «حمید توکلی» مطلع شدند، تصمیم گرفتند خانه تیمی را تخلیه کنند، اما «امیرپرویز پویان» که به زعم خود از محکم بودن اعتقادات «توکلی» و پایداری او در راه مبارزه، مطمئن بود، اصرار داشت که نباید خانه تیمی را تخلیه کنند. «سعید آریان»، از اعضای گروه که به همراه همسرش «شهین توکلی»، بعد از ظهر روز ۲ خرداد ماه سال ۱۳۵۰، به خانه تیمی محله نیروی هوایی رفته بود، پس از بازداشت، در اوراق بازجویی خود نوشت: «همان شب بین اسکندر [صادقی نژاد] و پویان بر سر تخلیه منزل اختلاف نظر بود. بالاخره موافقت کردند که اسکندر، رحمت [پیرونذیری]، احمدزیبرم و خانم من، بروند که نمی‌دانم کجا رفتند. من و پویان در منزل خوابیدیم. صبح روز سوم خرداد اسکندر و رحمت آمدند. رحمت در منزل، نزد پویان ماند و من و اسکندر برای پیدا کردن منزلی دیگر، خارج شدیم و توانستیم منزلی در انتهای خیابان طاووسی در نظام آباد پیدا کنیم.» اما دیگر دیر شده بود. ساعت ۱۴ روز ۳ خرداد ماه، منزل تیمی «پویان» در محله نیروی هوایی محاصره و زدوخورد میان نیروهای ساواک و دو نفر حاضر در منزل آغاز شد. در پی این درگیری، «امیرپرویز پویان» و «رحمت پیرونذیری» کشته شدند. ظاهراً این دو، خودکشی کرده بودند. «اسکندر صادقی نژاد» که از ماجرای کشته شدن «پویان» و «پیرونذیری» آگاه شده بود، موضوع را به «حمید اشرف» اطلاع داد و به او گفت که منزل جدیدی اجاره کرده است و همان شب به آنجا اسباب کشی می‌کند؛ اما مشاور املاکی که منزل را اجاره داده بود، به رفتار آنها مشکوک شد و موضوع را به کلانتری اطلاع داد. به این ترتیب، وقتی آنها برای بردن اسباب به منزل جدید رفتند، توسط نیروهای ساواک و شهربانی محاصره شدند و درگیری میان آنها و مأموران امنیتی آغاز شد. در این درگیری که حدود یک ساعت طول کشید، «اسکندر صادقی نژاد» کشته شد، «احمد زیبرم» و «عباس جمشیدی رودباری» گریختند و «سعید آریان» به همراه همسرش، «شهین توکلی»، بازداشت شد. به این ترتیب، با ضربه ۳ خرداد ماه سال ۱۳۵۰، شیرازه تشکیلات چریک‌های فدایی خلق از هم پاشید. هرچند «حمید اشرف» در کتاب «جمع‌بندی سه ساله» خود می‌نویسد: «ضربه نیروی هوایی و به دنبال آن ضربه [خیابان] طاووسی، علی رغم آن که بزرگ بودند، تأثیر آشکار و زیادی ایجاد نکردند»، اما «عباس مفتاحی» معتقد است: «در این موقع، وضع گروه به طور کامل پاشیده شده بود. در زیر ضربات وارده، داشتیم قدرت نفس کشیدن را از دست می‌دادیم.» به این ترتیب، «امیرپرویز پویان» کشته و کادر مرکزی جدید، با حضور «مسعود احمدزاده»، «عباس مفتاحی» و «حمید اشرف»، تشکیل شد.

اهداف آمریکایی ها از عملیات در صحرای طبس چه بود؟

پشت پرده عملیات «پنجه عقاب»

بازدید حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای و شهید چمران از بقایای تجهیزات به جا مانده از مهاجمان آمریکایی در صحرای طبس.

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

اوایل سال ۱۳۵۹ هـ.ش بود که آمریکا، رابطه سیاسی خود را با ایران، به صورت یک جانبه قطع کرد. اگرچه بهانه دولتمردان آمریکا، بازداشت کارمندان سفارت این کشور در تهران، توسط دانشجویان پیرو خط امام(ره) و درخواست مبادله آنها با شاه مخلوع بود، اما واقعیت آن است که آمریکایی ها پس از مدت‌ها تردید و به ویژه پس از استعفای دولت موقت، رویکرد خصمانه خود را علیه انقلاب اسلامی مردم ایران آشکار کردند. با این حال، موضوع گروگان‌ها، برای دولت کارتر، که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را پیش رو داشت، بسیار مهم بود. کارتر می‌خواست پیش از ورود به مبارزات انتخاباتی، گروگان‌ها را به هر شکل ممکن، آزاد کند تا بتواند از آن در جریان انتخابات و در برابر رقبای انتخاباتی‌اش، استفاده کند. او و تیم مشاورانش امیدوار بودند که فعالان سیاسی متمایل به رابطه با آمریکا که در دولت موقت حضور فعالی داشتند، بتوانند این خواسته را برآورده کنند، اما چنین نشد. فشارهای سیاسی و اقتصادی بر ایران نیز نتوانست خللی در عزم راسخ ملت برای بازگرداندن و محاکمه شاه مخلوع به وجود آورد. به همین دلیل، کارتر فرمان طراحی عملیاتی نظامی و سری را برای آزادی گروگان‌ها صادر کرد.

■ **پشت پرده یک عملیات شکست خورده**

مسئولیت اجرای عملیات حمله به محل نگهداری گروگان‌ها در ایران، برعهده «زبیگنیف برژینسکی»، مشاور امنیت ملی در دولت جیمی کارتر، بود. «برژینسکی» درباره چگونگی طراحی عملیات، می‌نویسد: «طرح عملیات نجات، از نخستین روزهای گروگانگیری در دست مطالعه بود و من، روز ۱۱ نوامبر (یک هفته پس از گروگانگیری)، برای بررسی نقشه‌های عملیاتی و مشکلات این کار به پنتاگون رفتم. تصمیم برای رهایی گروگان‌ها، با توسل به زور، در فاصله ۳ هفته، بین ۲۱ مارس تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (فروردین ۱۳۵۹) اتخاذ شد. روز شنبه، ۲۲ مارس، کارتر با مشاوران اصلی خود ونس، ماندیل، براون، ترنر، جوردن، جونز، پاول و خود من، جلسه‌ای در «کمپ دیوید» تشکیل داد ... ژنرال جونز، گزارشی از اقداماتی که طی چند ماه گذشته، برای تهیه مقدمات «نجات» به عمل آمده بود، به رئیس جمهور داد. کارتر دستور داد مقدمات اجرایی این عملیات و ترتیب فرود آمدن هواپیماها و بالگردها در محل تعیین شده در داخل خاک ایران و نیز، سوخت گیری آنها برای بازگشت، داده شود.» (توطئه در ایران؛ ص ۱۸۸) «برژینسکی» در خاطراتش اذعان می کند که عملیات نظامی، یکی از چند راهکاری بود که آمریکایی ها، برای فراری دادن گروگان هایشان در ایران، بررسی کرده بودند. او می‌نویسد: «طرح عملیات نجات را، من، ابتدا به عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان ها تعقیب می کردم و ما، به مؤثر بودن اقدامات نظامی [دیگر]، مانند محاصره دریایی ایران یا تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدف هایی در داخل خاک این کشور، بیشتر اعتقاد داشتیم.» (توطئه در ایران؛ همان) به نوشته «برژینسکی»، آمریکایی ها با اجرای موفقیت آمیز عملیات، می‌توانستند یک بار دیگر، «زور بازوی خود» را به دنیا نشان دهند و از مخالفانشان زهر چشم بگیرند. با این حال، همان طور که اشاره شد، هدف از طراحی عملیات نظامی و تهاجم به خاک ایران، تنها آزادی گروگان‌ها یا گرفتن زهر چشم از مخالفان آمریکا نبود. «مایلز کاپلند» از اعضای بلندپایه سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا و همکار «کرمیت روزولت» در اجرای کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲، معتقد است که «این تهاجم نظامی در واقع کودتایی برای سرنگونی حکومت ایران، بوده است.» (هدف: تهران؛ ص ۱۳۰) وی تأکید می کند: «آمریکایی ها از همان اوایل سال ۱۹۷۹م [۱۳۵۷ هـ.ش]، یعنی پیش از سرنگونی شاه، مشغول بررسی امکانات شورش در ایران بودند. واشنگتن، جدا از چگونگی پیشرفت و تحول اوضاع ایران، به طور مداوم، در حال آماده کردن ابزار و شرایط لازم برای سرنگونی هر حکومتی که احتمالاً خوشایند آنها نباشد و منافع آمریکا را تأمین نکند، بوده است.» (همان؛ ص ۱۳۵) بنابراین، به نظر می رسد که آمریکایی ها از اجرای عملیات در طبس، اهداف گسترده‌تری را دنبال می کرده‌اند. «کاپلند» بر این باور است که «هجوم به سفارت باید مکمل عملیات نظامی وسیع‌تری علیه ایران باشد که البته، بنا به نظر سرهنگ مید، باید ۲۴ ساعت بعد از اتمام عملیات اولیه به اجرا درآید.» (همان؛ ص ۱۳۶) برای اجرای این عملیات، تعدادی از هم‌پیمانان منطقه‌ای آمریکا نیز وارد معرکه شدند. «برژینسکی» می‌نویسد: «در انجام این عملیات، ما از همکاری صمیمانه یک کشور دوست و همکاری غیر مستقیم چند کشور دیگر منطقه که از چگونگی این عملیات و هدف آن اطلاع نداشتند، برخوردار شدیم. [انور] سادات، همان طور که انتظار داشتیم، بی دریغ، امکانات خود را در اختیار ما گذاشت. چند کشور دیگر هم در تدارک این عملیات، در داخل ایران با ما همکاری کردند.» (توطئه در ایران؛ ص ۱۹۲) بعدها فاش شد که افزون بر مصر، کشورهای عمان، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان نیز در اجرای عملیات نقش داشته‌اند.

■ **به سوی کویر شماره یک**

در پی دستور کارتر، مبنی بر اجرای عملیات، نیروهای موسوم به «دلتا» به فرماندهی سرهنگ «چارلی بکویث»، پس از طی کردن دوره‌های آموزشی و آشنایی کامل با موقعیت مکان‌هایی که باید در تهران مورد حمله قرار گیرد، از آمریکا به سمت مصر پرواز کردند. به نوشته «بکویث»، شرایط سربازان آمریکایی در مصر، مطلوب نبود. او در خاطراتش می‌نویسد: «بیرون پایگاه مصر، منظره‌ای دلگیر و بی‌پایان در گرمای آسمان بی‌ابر، محو می‌شد. مگس‌ها همه جا بودند و روی هر جنبنده‌ای و هر چیزی می‌نشستند. همه سعی می کردند بخوابند؛ اما با وجود هوای داغ و سوزان، هیجان ناشی از مأموریت و البته مگس‌ها، عده زیادی نتوانستند استراحت کنند.» قرار بود سربازان نیروی «دلتا» پس از ورود به عمان، به عرشه ناو هواپیمابر «نیمیتس» منتقل شوند تا همراه با هواپیماها و بالگردهای نظامی و ترابری، در غروب روز ۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹، به سوی صحرای طبس حرکت کنند. این انتقال در موعد مقرر انجام شد. گزارش هواشناسی روز عملیات، از مساعد بودن هوا در منطقه مورد نظر، موسوم به «کویر شماره یک»، حکایت داشت. زمانی که «بکویث» و نیروهایش وارد آسمان ایران شدند، همه چیز عالی به نظر می‌رسید. پس از ورود گروه اول به «کویر شماره یک»، آمریکایی ها، اتوبوسی مسافربری را که در حال عبور از منطقه بود، متوقف و مسافرانش را بازداشت کردند. همچنین، تانکر حمل سوختی را که از آن حوالی می گذشت، هدف قرار دادند و آتش زدند.

■ **ژنرال‌های فراری**

سرهنگ «بکویث» در خاطراتش می‌نویسد: «بالگردها باید ۱۵ دقیقه دیگر می‌رسیدند. در مدت انتظارمان، اتفاقاً به یکی از ژنرال‌های ایرانی [از افسران وابسته به رژیم پهلوی] که همراه ما آمده بودند، برخوردم. زیاد تحویلش نگرفتم. غلاف سلاحش خالی بود. از اوپرسیدم که سلاحش کجاست؟ گفت: وقتی که از هواپیما پیاده می‌شدم، آن را گم کردم. دونفر از افراد را برای پیدا کردن تپانچه به داخل هواپیما فرستادم. آنها بعد از جست‌وجوی کامل، گزارش دادند که نتوانسته‌اند آن را پیدا کنند. فهمیدم که ژنرال، بعد از دیدن اتوبوس و تانکر آتش گرفته، ترسیده و تپانچه‌اش را دور انداخته است. او ترسیده بود. به وی گفتم: در ارتش آمریکا ما ژنرالی که سلاحش را دور بیندازد، نداریم! من به او اجازه داده بودم این تپانچه را همراه خود بیاورد و اکنون تا جایی که می‌توانستم، او را تحقیر کردم. برایم مهم نبود او یک ژنرال است؛ چرا که به اندازه یک سرباز هم لیاقت نداشت. بعد تصمیم گرفتم که او را همراه با مسافرانی که در اتوبوس بودند، باز گردانم. کم کم سربارمان می‌شد.» (نیروی دلتا؛ ص ۴۱۸)

■ **شرایط تغییر می کند**

شرایط آن گونه که آمریکایی ها پیش بینی کرده بودند، پیش نرفت. اولین خلبان بالگردی که وارد «کویر شماره یک» شد، «بکویث» را گرفتار تردیدی جدی برای اتمام عملیات کرد. «بکویث» می‌نویسد: «هوا خنک و صاف بود و ستاره‌ها به سادگی قابل رؤیت بودند. نور ماه برای دیدن افرادی که سی، چهل یارد دورتر ایستاده بودند، کافی بود. آنها، منتظر بالگردها بودند که باید یک ربع دیگر وارد صحرای طبس می‌شدند؛ ولی از آنها خبری نشد ... [خلبان اولین بالگردی که وارد شد] چیزهایی می گفت که بسیار تأثرآور بودند و اگر می‌توانستیم، بالگردها را در بیابان می‌گذاشتیم و با سی-۱۳۰ ها به خانه برمی‌گشتیم ... او می‌گفت: نمی‌دانید بر من چه گذشته است. بادترین توفان شنی که تاکنون دیده بودم، مواجه شدیم؛ پرواز کردن بسیار دشوار بود. پیش خود فکر کردم مطمئن نیستم که بتوانیم عملیات را انجام دهیم. واقعاً مطمئن نیستم که بتوانیم آن را انجام دهیم. در حالی که ۸ بالگرد برای عملیات پیش‌بینی شده بود، فقط ۶ بالگرد به طبس رسیده بودند و این تعداد، حداقل بالگردهای مورد نیاز برای موفقیت در عملیات نجات گروگان‌ها بود. اما یکی از بالگردها نیز اعلام کرد که قادر به ترک طبس نیست. مأموریت با ۵ بالگرد ممکن نبود و بر اساس برنامه‌های از پیش تعیین شده، در چنین شرایطی، چاره‌ای جز توقف عملیات نداشتیم؛ باید این بالگرد را جامی گذاشتیم و ایران را به سرعت ترک می کردیم. دستور لغو عملیات، توسط کارتر صادر شد. توفان شن کار خود را کرده و عملیات با شکست مواجه شده بود.» (همان؛ ص ۴۲۲) «بکویث» ادامه می‌دهد: «در میان تندباد، یکی از بالگردها را دیدم که از زمین بلند شد و به سمت چپ کج شد و به آرامی به عقب خزید. سپس صدای مهیبی بلند شد. صدای انفجار بمب نبود. صدای شکستن نبود، صدای چیزی بود که با یک ضربه متلاشی شود؛ انفجار یک منبع بزرگ بنزین. گلوله‌ای آتشین و آبی رنگ، مثل بالون به هوا رفت. ظاهراً بالگرد سرگرد شافر، به سی-۱۳۰ که در شمالی‌ترین قسمت ایستاده بود، برخورد کرد ... شعله‌های آتش تا ارتفاع سیصد، چهارصد پایی می‌رسید. هوا مثل روز روشن بود ... در میان آتش، بالگرد را دیدم که به سمت چپ هواپیما برخورد کرده است. موشک های «ردی» منفجر می‌شدند. مثل این بود که افراد درون گوی آتش حرکت می کردند.» (همان؛ ص ۴۲۹) به این ترتیب، نیروی «دلتا» در اجرای عملیاتی که رمز آن «پنجه عقاب» بود، با شکست کامل روبه‌رو شد و به ناچار، از مهلکه «کویر شماره یک»، گریخت.

منابع:
۱- توطئه در ایران؛ سایروس ونس و زبیگنیف برژینسکی؛ مترجم: محمود مشرقی؛ نشر هفته؛ تهران؛ ۱۳۶۲
۲- هدف: تهران، تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده؛ جولیتو کیه‌زا؛ مترجم: هادی سهرابی؛ نشر نو؛ تهران؛ ۱۳۶۲
۳- نیروی دلتا، از پلی می تا طبس؛ چالی بکویث و دونالد ناکس؛ مترجم: رضا فاضل زرندی؛ امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۶۸

تاریخ جهان

چه می‌شد اگر هیتلر به نفت خاورمیانه می‌رسید؟

آدولف هیتلر، رهبر آلمان نازی، از شخصیت هایی بود که تأثیر زیادی بر تاریخ دنیا گذاشت. بررسی آنچه هیتلر انجام داد و تبعات آن، هنوز هم بسیار مورد توجه قرار دارد و موضوع بحث‌ها و واکنش‌های مختلفی است. تاریخ‌نگاران زیادی نیز، سال‌ها درباره «چه می‌شد اگر»های مربوط به هیتلر، گمانه‌زنی کرده‌اند: چه می‌شد اگر حزب نازی به رهبری هیتلر به قدرت نمی‌رسید؟ چه می‌شد اگر هیتلر در سال ۱۹۴۱ استراتژی‌اش را تغییر می‌داد؟ چه می‌شد اگر نیروهای متحدین (آلمان نازی، ایتالیا و ژاپن) در جنگ جهانی دوم پیروز می شدند و آمریکا بعد از جنگ، تنها و هراسان می‌ماند؟ یکی از مباحثی که کمتر در این باره به آن پرداخته شده، این است که اگر هیتلر به منابع نفتی عظیم خاورمیانه دست پیدا می کرد، چه می‌شد؟ واقعیت این است که هیتلر به نفت نیاز زیادی داشت. در سال ۱۹۴۱ ماشین جنگی آلمان-تانک‌ها، هواپیماها و وسایل نقلیه زمینی نازی‌ها-باید خود را برای فعالیتی بسیار گسترده در سال‌های بعد، آماده می کردند و سوخت برایشان حیاتی بود. هیتلر می‌خواست به میدان‌های عظیم نفتی روسیه در قفقاز دسترسی داشته باشد و این یکی از دلایلی بود که در ماه ژوئن به روس‌ها حمله کرد.

■ **عملیات فرضی**

اما چه می‌شد اگر هیتلر راهی کاملاً متفاوت را در پیش می گرفت؟ چه می‌شد اگر او ایده گسترش امپراتوری‌اش به سمت شرق را کنار می گذاشت و برای تداوم تغذیه ماشین جنگی‌اش، تنها روی به دست آوردن نفت متمرکز می‌شد؟ عظیم‌ترین ذخایر نفتی دنیا در ایران، عراق و عربستان سعودی واقع شده‌اند و در بهار سال ۱۹۴۱ همه این سرزمین‌ها تحت نفوذ نیروهای متفقین بودند. در همین حال، در سپتامبر سال ۱۹۴۰، ایتالیا تحت رهبری بنیتو موسولینی از لیبی به مصر (که در کنترل انگلیس بود) حمله کرده و مسیر حمله به یونان را نیز از طریق آلبانی، پیش گرفته بود. اما کمپین‌های جنگی موسولینی کاملاً موفقیت‌آمیز نبودند و هیتلر مجبور شد برای کمک به نیروهای او در این مناطق، نیروهای نازی را نیز اعزام کند. این مسئله احتمالاً برای هیتلر در آن زمان در دسرساز بود، اما او می‌توانست از اشغال یونان به عنوان سکوی پرتابی برای ماجراجویی‌های بیشتر در خاورمیانه استفاده کند. اگر هیتلر همان تعداد از لشکرهای اعزامی به شوروی را برای حمله به سوریه یا ترکیه و بعد هم عراق به کار گرفته بود، احتمالاً می‌توانست به تأسیسات نفتی در این مناطق دسترسی پیدا کند و بخش زیادی از مشکلاتش حل می‌شد. هیتلر این کار را نکرد، اما اسنادی وجود دارد که نشان می دهد او این ایده را مورد تأمل قرار داده بود. هیتلر در واکنش به کودتایی که در عراق علیه انگلیسی‌ها اتفاق افتاده بود، دستور العملی ارائه داد که ناظر بر حمایت از برخی نیروها در کشورهای عربی بود. اما استفاده از این مسئله برای پیش بردن عملیاتی گسترده‌تر و رسیدن به منابع نفتی در این کشورها، ظاهراً کمتر مورد توجه هیتلر قرار داشت. جان کیگان-تاریخ‌نگار- در مقاله «نیاز به خاورمیانه، ۱۹۴۱» این ایده را مطرح می کند که اگر هیتلر می‌خواست از طریق سوریه به عراق حمله کند، باید استراتژی پرش قورباغه‌ای را- که اتفاقاً بعدها توسط آمریکا برای اشغال ژاپن استفاده شد- مورد توجه قرار می‌داد. طبق این استراتژی، کشور مهاجم پیش از حمله به مقصد خود که یک جزیره بود، اقیانوس را به صورت تدریجی و با حرکت در میان جزایر مختلف منتهی به آن طی می کرد. در این راستا هیتلر باید از طریق جزیره رودس (که متعلق به متحدش ایتالیا بود) به شکلی موفقیت‌آمیز به قبرس حمله می کرد و خود را در موقعیتی مناسب برای حمله به سوریه از طریق دریایی بازمینی قرار می‌داد. در عین حال، تعداد نیروهای فرانسوی حاضر در سوریه و لبنان، در آن زمان، زیاد نبود و آن‌ها از حمایت هوایی و تجهیزات پیشرفته نیز برخوردار نبودند و می‌شد حدس زد که قادر به مقابله با نیروهای هیتلر نباشند. هیتلر می‌توانست از این ضعف استفاده کند، اما مشکل بزرگی در این برنامه وجود داشت: نازی‌ها باید کشتی‌های زیادی را برای جابه‌جا کردن نیرو در اختیار می‌داشتند و این در حالی بود که منطقه شرق مدیترانه در کنترل کشتی‌های قوی بریتانیایی بود. اما اگر هیتلر نمی‌توانست کشتی و نیروی دریایی به این منطقه اعزام کند، راه حل دیگری پیش رویش بود. او باید راهش را از ترکیه- که اعلام بی‌طرفی کرده بود- باز می کرد و از طریق استانبول، خودش را به مناطق نفت‌خیز مورد نظر در خاورمیانه می‌رساند. حالت ایده‌آل برای نیروهای متحدین این بود که ژاپن هم به تدریج به سمت غرب پیشروی کند و مناطقی را که در اختیار نیروهای بریتانیایی بود، در کنترل بگیرد و خود را از سمت مخالف به هند برساند. این سناریو اکنون چندان محتمل به نظر نمی‌رسد، اما فراز و نشیب‌های جنگ جهانی دوم آن قدر زیاد و غیرقابل پیش‌بینی بود که حتی سناریوی کنترل تمام این مناطق توسط نیروهای متحدین هم دور از ذهن نمی‌بود. بزرگ‌ترین پیروزی هیتلر در نهایت این می‌شد که دست بریتانیا را در تمام این مناطق ببندد و آمریکا را نیز در نیمکره غربی منزوی کند و البته این‌ها اتفاقاتی بودند که نیفتادند.
منبع: سایت تاریخ ایرانی

www.Rasad.org
تحلیل‌های روز را رصد کنید
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

پنجشنبه هر هفته ضمیمه جوان روزنامه خراسان

جناب سرهنگ حمیدرز مخواه
انتصاب شایسته حضرتعالی را به سمت
رئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی
که نشان از لیاقت و کارآمدی جنابعالی می باشد تبریک عرض نموده، توفیقات روزافزون شما را آرزومندیم.
بهروزنیا - دیزاوندی - قدمیاری
۹۵۰۳۰۰۰۷/م

پدر عزیزم
دکتر مهدی مسکرانی
مجالست و مؤانست با طبیبی نمونه، متعهد، وارسته و اخلاق مدار برایم الگو و افتخاری وصف ناشدنی است.
تلاش های بی دریغ تان در درمان پدربزرگ نازنین و سفر کرده ام را سپاس می گویم، امیدوارم دستان پرمهرتان کماکان شفابخش جانهای دردمند باشد.
روزتان مبارک
عروستان هدا
۹۵۰۲۸۴۵۸/م

جناب سرهنگ حمیدرز مخواه
انتصاب جنابعالی را به سمت رئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی که نشان درایت و شایستگی شما می باشد تبریک عرض می نماییم.
توفیق روزافزون شما را از خداوند منان خواستاریم.
رضا بازرگان
۹۵۰۲۸۹۸۰/پ

جناب آقای مهندس گنجی
مسئول محترم فضای سبز منطقه ۲ مشهد
زیبایی فضای سبز منطقه میدان بوعلی نشان از لیاقت و درایت حضرتعالی می باشد. از زحمات شما سپاسگزارم.
شرکت ایزوکام بی نظیر شرق - کشفی
۹۵۰۲۸۸۲۲/ل

آگهی مناقصه عمومی
اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی

شماره مناقصه	عنوان پروژه	شهرستان	مبلغ برآورد بهنگام
۹۵/۶	احداث مرکز بهداشتی و درمانی مشهد ریزه (تا پایان اسکلت)	تایباد	حدود ۱۷۲۸ میلیون ریال

- رشته و رتبه پیمانکار: پیمانکاران دارای صلاحیت در رشته ابنیه و دارای ظرفیت آزاد در سامانه اطلاعات عوامل نظام فنی و اجرایی (ساجار) به آدرس http://sajar.mporg.ir
- مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی مناقصه گران: از اول وقت اداری مورخ ۹۵/۲/۵ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۹۵/۲/۸
- محل های دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی مناقصه گران:
۱- پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس: http://iets.mporg.ir
۲- مشهد- انتهای خیابان فدائیان اسلام- اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی- اداره پیمان و رسیدگی
- مهلت تحویل اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی مناقصه گران؛ پایان وقت اداری (ساعت ۱۴) مورخ ۹۵/۲/۲۲
محل تحول اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی مناقصه گران: مشهد- انتهای خیابان فدائیان اسلام- اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی- اداره پیمان و رسیدگی .

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی
۹۵۰۲۹۶۴۷/آ

نجات آب کشاورزی در گرو آگاهی و حضور همگانی

آگهی مناقصه
مناقصه شماره ۹۵/۳-۶۴
۱- موضوع مناقصه انجام خدمات اجرائیات و جلوگیری از تخلفات آبی در سطح استان خراسان رضوی
۲- نوع مناقصه: دومرحله‌ای
۳- برآورد اولیه پروژه: حدود ۱۴ میلیارد ریال
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به صورت واریز وجه نقدی، ضمانت‌نامه بانکی یا اوراق مشارکت: ۷۵۰ میلیون ریال
۵- رشته و حداقل پایه مجری: رشته آبیاری و زهکشی، حداقل پایه ۳ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری
۶- مهلت و نحوه دریافت اسناد مناقصه: تا مورخ ۹۵/۲/۱۱ از طریق سامانه ستاد به آدرس: www.setadiran.ir
۷- آدرس دستگاه مناقصه‌گزار: مشهد، بلوار خیام، خیام جنوبی ۴۵، شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی تلفاکس: ۳۷۶۱۷۰۱۱-۰۵۱
۸- مهلت و نحوه تحویل اسناد مناقصه: تا تاریخ ۹۵/۲/۲۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)
تذکر: ضمنا لازم است کلیه متقاضیان باتوجه به ابلاغیه الزام بکارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد» وارد سامانه www.setadiran.ir شوند و مراحل عضویت خود را انجام دهند.
شرکت آب منطقه‌ای خراسان رضوی
۹۵۰۲۷۵۹۸/آ

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی
«آگهی فراخوان عمومی شناسایی مشاور طراحی شهری»
اداره کل راه وشهرسازی خراسان رضوی به نمایندگی از سازمان ملی زمین و مسکن در نظر دارد در راستای ماموریت های وزارت راه و شهرسازی از جمله ایجاد صندوق زمین و ساختمان ، نسبت به شناسایی شرکتهای مهندسین مشاوری که دارای رتبه یک حداقل در دو رشته از رشته های شهرسازی، معماری و طراحی شهری با توان لازم جهت طراحی شهری پروژه نوین شهر جام جم و تکمیل مطالعات اجتماعی ،اقتصادی و زیست محیطی مورد نیاز هستند، اقدام نماید. بدینوسیله از کلیه شرکتهای واجد شرایط که مایل به شرکت در این مناقصه می باشند دعوت می گردد حداکثر تا **تاریخ ۹۵/۰۲/۱۱** ضمن مراجعه به پایگاه اینترنتی پروژه به آدرس : www.jamejamprj.com و یا دفتر مدیریت پروژه واقع **در مشهد، بلوار سجاد، نبش بزرگمهر شمالی ۵، پلاک ۵۹**، نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام نموده و مدارک تکمیل شده را تا پایان وقت اداری روز شنبه **مورخ ۹۵/۰۲/۱۸** به دفتر مدیریت پروژه تحویل نمایند.
لازم به ذکر است اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی پس از بررسی اسناد و مدارک واصله، در چارچوب ضوابط و مقررات نسبت به ارزیابی کیفی شرکتهای متقاضی اقدام و از شرکتهای واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل خواهد آورد.
روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی
۹۵۰۲۹۸۵۶/آ